



### شما را بر همه عالم گزیدیم

سرپال «ماده سیاه» داستان عشق در دالان های جهان های موازی است



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

«امکان» و معادل هایش در زبان های مختلف یکی از واژه های مفاهیم عجیب بشری است. انگار هستی هر چیزی، پدید آمدن امکان بالفعل موجود از میان بی نهایت امکان بالقوه ناموجود است. از تازدی های زندگی این است که خیلی اوقات آدم ناچار می شود یک امکان را برگزیند و بی نهایت امکان دیگر را کنار بگذارد. امکان های از دست رفته بعضاً شاید برای همیشه از دست بروند؛ تقریباً اکثر قریب به اتفاق شان، به خصوص که مسئله زمان در میان است. انتخاب های ما در لحظه، دقیقه، سال و دهه پیش دیگر قابلیت تعویض شدن ندارند. دیگر نمی توان لحظه پیش را برگرداند و انتخاب دیگری کرد و نتیجه آن را دید و نسبت به دیگر انتخاب ها مستجید بعد دست به انتخاب زد.

البته که همه جهان و وضعیت زندگی ما ناشی از انتخاب هایمان نیست، که ای کاش چنین بودهرس تماماً مسئول زندگی اش می بود. ولی میان امکان های بالقوه و امکان بالفعل معمولاً کمترین دخل و تصور داریم. نظریه شبه علم گونه «جهان های موازی» دال مرکزی اش وجود همین امکان هاست. امکان جهان دیگری به جز جهان موجود که در حال تجربه کردن آن هستیم، نظریه ای که تا به حال دستمایه داستان ها و فیلم های بسیاری شده است. یکی از مؤخرترین داستان هایی که ملهم از جهان های موازیست، سرپال «ماده سیاه» است که توسط کمپانی «اپل تی وی پلاس» تهیه و پخش شده است. دانشمند فیزیک کوانتومی به نام «جیسون دسن» با بازی «جوتل اجرتون» که از طریق استادی دانشگاه امرامعاش می کند، زندگی معمولی ای دارد اما کنار همسر و تنها فرزندش خوش است. روزگارش عادی و بر روال است تا اینکه یک شب توسط خودش، در واقع نسخه ای از خودش در جهان دیگری، دریده می شود و از آن به بعد دائماً در حال تقلا برای برگشتن به پیش همسرش «دانیلا» با بازی «جنیفر کالی» و البته پسرش است. داستان مریدست که میان همه امکان های عالم، امکان عشق را برگزیده است. جهان موازی به مردنشان می دهد که نمی شد دروا با هم داشت. ذات دنیا همین است: برای به دست آوردن چیزی باید میلیاردها چیز دیگر را دست داد. قصه کمی که جلوتر می رود متوجه می شویم که نسخه خودش را شاید بتوان گفت نسخه بد جیسون، آنجا جهانش از نسخه خوب جیسون جدا شده که خوب داستان در کنار دنیا بودن را انتخاب کرده است و جیسون بد قصه توسعه فیزیک کوانتوم را، نسخه بد به ظاهر همه چیز دارد؛ ثروت بسیار، شهرت زیاد، قدرت دستگاهی که به او امکان می دهد به هر چیزی فکر می کند دسترسی داشته باشد. اما این جیسون، حسرت آن جیسونی دارد که معلمی ساده مانده و عشق دنیا و مهر پسرش را دارد. جیسون بد می خواهد این ها را داشته باشد آن ها را هم. این که چه می شود، هنوز نمی دانیم ولی می دانیم که جیسونی که طعم عشق دنیا را چشیده است لحظه ای به دنیای دیگر فکر نمی کند. انگار مصداق همان که گفت همه جز شهید راه عشق با حسرت از این جهان می روند. داستان ماده سیاه بیشتر از اینکه داستان جهان موازی باشد داستان عشق است. انگار عشق میان همه امکان های دیگر تنها مأمن و پناهگاه نیست که آدمی در آن آرام می گیرد.

ماده تاریک جز این حکایت دیگری را هم می خواهد بگوید. حکایت «شر من». انگار که پیری بیخود نگفته بود «الهی من را شرم من برهان». بزرگترین دشمن جیسون در داستان ماده تاریک همان جیسون است. جیسون شریف توسط آن جیسون دیگر مورد حسادت قرار گرفت، روده شد و به تعلیقی که انگار بی انتهایست پرتاب شد. گویی ماده سیاه این راه می خواهد به ما بگوید که هیچ چیز برای شما مثل انتخاب های نادرستان نمی تواند دشمن شما شود. البته که می توان به فلسفه این داستان خرده گرفت که چنین هم نیست و همه چیز یکسره به انتخاب های ما مربوط نمی شود و اساساً آدمی بیچاره تر از این حرفاست، ولی با توجه به نقشی که برای فعالیت انسان در سرنویشت خودش قائل است تا به حال که ۵ قسمت این سریال پخش شده، قصه پرستاب، بر تعلیق دیده ایم که حول ایده خودش استوار و منسجم است و خلاف داستان های مشابه اش اصلاً هم گیج کننده نیست. قصه ای که می خواهد بگوید عالم عشق از همه دیگر عوالم خوش تر است.



# راه پرپیچ متن تا معنا

درباره کتاب از متن تا معنا؛ روشی در شرح و تفسیر متون ادبی



## معرفی کتاب

از متن تا معنا؛ روشی در شرح و تفسیر متون ادبی  
نویسندگان: بتول واعظ  
محمد رضا حاجی آقا بابایی  
انتشارات: مهراندیش  
قیمت: ۳۲۷ هزار تومان



سیدمهدی یاری موسوی  
خبرنگار فرهنگ

اگر روزی این توفیق دست داد تا تصادفاً با یکی از شارحان و مفسران بزرگ و البته قابل احترام متون کلاسیک یا حتی نوی ادبیات فارسی ملاقات کنید و از استاد پرسید که دقیقاً کدامیک از علوم، مورد کاربرد ایشان در تفسیرهای ادبی بوده است، از بلاغت و فقه و کلام و عرفان تا زبان شناسی، فلسفه، طب و نجوم را پیش چشمان تان فهرست می کنند، هر چیزی جز علمی که موضوعش ناظر به سنجش ادبیّت متن باشد؛ یا اگر پرسید دقیقاً با کدام روش دست به شرح و تفسیر این متون برده اند، با فرض اینکه استاد نخواهند جملاتی پرملطراق بارتان کنند، نهایتاً خواهند گفت: هر چه می دانستیم نمی دانستیم را به کار بردیم تا هر چه در متن هست نیست را شرح و توضیح دهیم.

این نگاه مطلق گرای است که این روحیه حداکثر خواه در این طیف از شارحان و مفسران، قابل ستایش است اما باید پرسید آیا وقوف کامل بر تمام علومی که در متون ادبی به کار رفته، لازمه فهم است؟ آیا به قصد نفی تفسیر مهار گسیخته از متن، فهم و استفاده دقیق تر و هزاران دلیل واضح دیگر، نباید روشی معین و مشخص را برای تفسیر متون ادبی معرفی و تبیین کنیم؟

تاکتون این خود خوانندگان بوده اند که با بررسی تفسیر مختلف از شارحان و مفسران گوناگون، پی به روش یا روش های مورد استفاده آنان برده اند. اما با نگاهی کل گرای می توان مدعی شد که همت شارحان و مفسران متون ادب فارسی بر این نبوده است که در مورد شیوه ای که در شرح و تفسیر خود از متن به کار گرفته اند گزارشی مدون ارائه دهند. گزارشی که تعیین کننده روش خاص و منسجم آنان در تفسیر باشد.

چنانکه امروزه در بسیاری از حوزه های علوم انسانی ثابت شده، داشتن یک الگو و روش مشخص - البته منعطف - برای فهم هر چه بیشتر از زوایای متن امری ضروری است. روش ماندن نقشه ای است که به مفسر امکان پیش روی در جاده متن را می دهد تا بتواند اجزا را در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با کل، بررسی کند و به فهمی منسجم و مورد حمایت از جانب خود متن دست یابد.

درک این جای خالی، هم چنین تحول نگاه به معنای «متن» در دنیای علوم انسانی، سبب شد از چند سال گذشته در میان استادان ادبیات و کسانی که به صورت تخصصی با متن سروکار دارند، تکاپوی جدید در راه تدوین روشی معین و کاربردی به راه افتد؛ شیوه ای که با روشی شانه سنت دیرین تفسیری دارد و در عین حال با یاری گرفتن بسینی از نظریات غربی، افق های جدیدی را پیش چشم مفسران و شارحان متون ادب فارسی باز می کند.

با همین دغدغه محمد رضا حاجی آقا بابایی و بتول واعظ، دو استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، ابتدا در کلاس های درس، سپس به صورتی مدون و مفصل در قالب کتابی تحت عنوان «از متن تا معنا» شیوه ای بومی و گسترش پذیر برای شرح و تفسیر متون ادبی ارائه دادند. شیوه ای که از سنت تفسیری موجود بهره جسته، همچنین

گفت و گوی دوستانه نبوده است زیرا همانطور که او به درستی اشاره می کند قدرت را جز با قدرت نمی توان محدود کرد، بنابراین اگر گروهی و کسانی گمان می کنند وضع جهان و حقوق آدمیان آنگونه که باید باشد نیست، پس باید چکمه آهنی به پا کنند و در برابر قدرتهای موجود ایستادگی فکری و عملی کنند.

با این تفاسیر کتاب «به سوی فروغ آزادی» از یک مقدمه، دو بخش و هفت فصل تشکیل می شود که در آن سیر مبارزات آزادی جویانه ترسیم می شود. در بخش اول که به قرن های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ اختصاص دارد، گرلینگ بحث آزادی مذهبی و آزادی وجدان و تلاش اصلاح گران دینی برای مقابله با تعصب و جزمی نگری کلیسای کاتولیک را بررسی می کند و می گوید این امر در گسترش آزادی های امروزه بشر نقش بنیادینی داشته است. در همین بخش او فصلی را هم به مقابله مردمان با حکومت های مطلقه اختصاص می دهد. می دانیم که در جهان پس از رنسانس نخست این فتودالیسم و کاتولیسیسم بود که مورد حمله قرار گرفت و از قضا در این جمله پادشاهان و حکومت های مطلقه نیز نقشی بارز داشتند. با این همه بعد از مدتی نوبت به همین حکومت های مطلقه هم رسید که در جریان انقلاب های مهمی نظیر انقلاب انگلستان، انقلاب آمریکا و انقلاب فرانسه مورد حمله آزادی خواهان قرار گرفتند. بخش دوم کتاب اما به مبارزاتی می پردازد که بردگان، کارگران و زنان صورت بندی کردند تا بتوانند از سایه ساختارهای برده داری، استثمار و مردسالارانه رهایی یابند. در این درگیری که به خصوص در سده های نوزدهم و بیستم گسترش پیدا کرد، حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی در سطحی جامع گسترش یافت و در نهایت همه این تلاش ها خود را در تاسیس سازمان ملل متحد و اندکی بعد نگارش اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان داد.

با وجود همه این پیشرفت ها، گرلینگ می گوید در سال های اخیر به ویژه پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، کشورهای پیشرو در زمینه احقاق حقوق و آزادی ها چون آمریکا و بریتانیا، به واسطه نگرانی ها از افزایش تروریسم دست به اقداماتی امنیتی زده اند که ناقض حقوق و آزادی های فردی است. او با این روندها و ترفندهای کشورهای غربی مخالف است و معتقد است، چنین رفتاری باعث می شود در نهایت آزادی خواهان قافله را به دشمنان متعصب آزادی بیازند. در نهایت الهام بخش گرلینگ در این بحث، ایستادگی مردان بزرگی چون چرچیل در برابر دشمنان آزادی است. چرچیل در سال ۱۹۴۱ و در حالی که کشورش بریتانیا تک تسلیم نشو، هرگز، هرگز، هرگز، هرگز در هیچ چیزی تسلیم نشو، خواه خرد باشد، خواه کلان، خواه کوچک، خواه بزرگ، هرگز تسلیم نشو، الا به آنچه شرف و شعور بدان حکم می کنند. هرگز به زور تن مده، هرگز به قدرت به ظاهر سهمگین دشمن تن مده. این عصاره بحثی است که گرلینگ در کتاب «به سوی فروغ آزادی» می کوشد با بیان تاریخ بلند و افتخار آمیز آزادی انسان، مخاطبانش را بدان رهنمون کند: «هرگز به دردان آزادی هایمان تسلیم نشو، چون داشتن آن آزادی ها و حفاظت از آنها وظیفه ای است که ما به خودمان در آرزویمان برای زندگی خوب بدهکاریم و باز این چیزی است که ما به آن جان هایی که از پس ما خواهند آمد، بدهکاریم: موهبت برآوردناشدنی آزادی و امنیت سلب ناشدنی حقوق».

نویسنده کوشیده است که صرفاً گزارشی از جنگ و رخداد های آن به دست خواننده نهد، بلکه با پرداختن به شخصیت ها و جزئیات حالات درونی و بیرونی شان، بیان احساسات و عواطف شان، تأثیرات و تغییراتی را که جنگ در افراد و در زندگی هایشان رقم می زند، روایت کند. شخصیت ها به خوبی پرداخته شده اند و هر کدام به شکلی پنهان یا نهان، در درون خود نیز دچار جنگی عظیم تر از جنگ بیرونی هستند. گویی تأثیر جنگ هرگز پاک نخواهد شد و بر تک تک رفتار و تصمیمات افراد نیز تأثیر خواهد گذاشت. نویسنده تغییرات شخصیت ها را نیز به تصویر می کشد که چگونه انسانی ساده و شریف، در جریان جنگ و رخداد های آن و رنجی که بر او تحمیل می شود، می تواند به انسانی دیگر با خصوصیات اخلاقی دیگر تبدیل شود. اما چیزی که مشهود است، توقف ناپذیری زندگی است که حتی در شرایطی به دشواری و نابسامانی جنگ نیز همچنان ادامه دارد و گزیری از آن نیست. در بطن آشوبی که بودن را تهدید می کند، همچنان عشق، جوانان جوانه ای که سر از خاک سرد بیرون می آورد، می روید و لکه ای رنگی بر صحنه کیود تاریخ می اندازد. همانطور که یاس و خشونت اجتناب ناپذیر هستند، عشق نیز بخش عظیمی از وجود انسان جنگ دیده را پر می کند؛ چرا که آخرین پنا جان آدمی عشق است؛ عشقی که امید به بودن را می افزاید و انسان را وادار به ادامه دادن می کند.

«قصه های جنگ» دومین کتاب ترجمه شده به قلم نیما حضرتی از مجموعه داستان های کوتاه جوزف کنراد است، کتاب اول «قصه های آشوب» در سال ۱۴۰۱ منتشر شد. قرار بود که این مجموعه ادامه یابد اما دست اجل امان نداد و مترجم جوان و با استعداد این مجموعه در شهریور ماه ۱۴۰۲ دار فانی را وداع گفت. این مجموعه داستان نیز که به نازگی توسط نشر نی منتشر شده است، در ۱۹۳ صفحه در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

بی شک برخوردار و روشمند با ادبیات کلاسیک فارسی که هزار نکته باریک تر از مورا در خود نهفته دارد، یکی از ملزوماتی است که به استفاده هر چه بیشتر، بهتر و بهر روزتر ما از آن کمک می کند. کتاب «از متن تا معنا» را شاید بتوان آغاز راهی در راستای روشمند کردن بر خورد شارحان و مفسران با متون ادبی دانست. راه پرپیچ و خمی که پس از این همچنان ادامه خواهد داشت.